



فدک

«فدک» دهکده‌ایست در **حجاز**، و در نزدیکی **مدینه** است.

فهرست مندرجات

- ۱ - موقعیت جغرافیایی
- ۲ - فتح فدک
- ۳ - فدک در زمان رسول‌الله
- ۴ - اعطای فدک به فاطمه
- ۵ - فدک پس از پیامبر
- ۶ - غصب فدک
- ۷ - امام علی و حمایت از حق
- ۸ - حضرت فاطمه در مسجد پیامبر
- ۹ - خطبه‌ی حضرت فاطمه
- ۱۰ - موضع منفی
- ۱۱ - فدک در گذر تاریخ
- ۱۲ - موقعیت فعلی فدک
- ۱۳ - منابع برای مطالعه
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

موقعیت جغرافیایی

«فدک» دهکده‌ایست در **حجاز**، که فاصله‌ی آن تا **مدینه** دو یا سه روز، در فاصله چند کیلومتری در شرق **خیبر**، در زمان **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** بوده است. این منطقه، با آب و هوای خوش و محصولات فراوان کشاورزی، در نزدیکی **خیبر** واقع [۱] و محل سکونت **یهودیان** در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است. [۲]

فتح فدک

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سال هفتم هجری برای **جنگ** با یهودیان منطقه‌ی **خیبر** فرمان **جهاد** صادر نمودند. [۳] [۴] پس از فتح **خیبر**، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اهالی فدک را که از هم‌پیمانان **خیبریان** بودند به **اسلام** دعوت کرد. [۵] [۶] آنان نیز که از سرانجام هم‌کیشان **خیبری** خود آگاهی یافته بودند و توان مقابله با مسلمانان را در خود نمی‌دیدند با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به صلح نشستند. مردم فدک از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خواستند که اگر **مال** و جانشان محفوظ باشد، هر شرطی را می‌پذیرند. بدین ترتیب فدک بدون جنگ به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) واگذار شد. با واگذاری نیمی از اراضی فدک به رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیمی دیگر در تملک یهودیان باقی‌ماند. [۷] [۸]

فدک در زمان رسول‌الله

از آنجا که فدک بدون دخالت لشکریان اسلام و به صورت مصالحه به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) واگذار گردیده بود؛ لذا طبق **آیین الهی** اسلام ملک خاص حضرت گردید و **مسلمانان** را حقی در آن نبود. [۹] [۱۰] [۱۱]

اعطای فدک به فاطمه

درپی نازل شدن آیه‌ی «و آت ذالقریبهی حقه» [۱۲] و به دستور پروردگار، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فدک را به دخترشان **فاطمه (سلام‌الله‌علیها)** عطا کردند. [۱۳] [۱۴] [۱۵] طبق گزارش **قطب‌راوندی**، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) **علی (علیه‌السلام)** را طلبیدند و از ایشان خواستند، این بخشش را به کتابت درآورد، [۱۶] آنگاه **علی (علیه‌السلام)** و "**ام‌ایمن**" بر این بخشش **شاهد** گرفته شدند. [۱۷] فدک تسلیم فاطمه (سلام‌الله‌علیها) شد و ایشان امور آن را سرپرستی می‌کردند. [۱۸] [۱۹] عوائد فدک علاوه بر گذران زندگی، در امور خیری، مانند کمک به در راه‌ماندگان [۲۰] و خرج ازدواج جوانان **بنی‌هاشم** مصرف می‌شد. [۲۱]

فدک پس از پیامبر

فدک ارزش مالی فراوانی داشت، به گونه‌ای که محصول خرماي آن را از خيبر بيشتري دانسته‌اند.^[۲۳۶] درآمد حاصل از فروش محصولات فدک به حدی بود که "ابوبکر" در مواجهه با فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌گوید که درآمد فدک را برای تجهیز سپاهیان جنگ‌های «رده» اختصاص داده است.^[۲۳۳] با درگذشت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، متصدیان خلافت که از ارزش فدک آگاه بودند، باقی بودن آن را بر تملک **اهل‌بیت (علیهم‌السلام)** بر نتافته، حق فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را نادیده انگاشتند و فدک را به تصرف خویش درآوردند. آنها مدعی شدند که فدک در ملکیت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باقی‌بوده و ملک پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از ایشان **صدقه** و برای تمامی مسلمین است. اینان عامل خود را به فدک فرستاده، کارگزاران فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را از آنجا اخراج کردند.^[۲۳۴]

استدلال اینان سخنی منسوب به رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که راوی آن ابوبکر بود و به گفته‌ی او پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده بود: «ما انبیا چیزی به ارث نمی‌گزاریم، آنچه از ما می‌ماند، صدقه است».^[۲۳۵] ^[۲۳۶]

غصب فدک

هنگامی که فاطمه (سلام‌الله‌علیها) با تصرف ملکش از سوی حاکمان وقت مواجه می‌شود، نزد ابوبکر آمده، بازگرداندن فدک را خواستار می‌شود و بیان می‌دارد که فدک به ایشان واگذار شده‌است و بر این واگذاری سند و شاهد ارائه می‌کنند؛ اما خلیفه‌ی اول با ذکر سخن ادعا شده‌ی بالا که به رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) منسوب کرده بود، مسیر دادخواهی را عوض کرده، بحث را به ارث مرتبط می‌کند.^[۲۳۷] ^[۲۳۸] حضرت در مقابل با استناد به سخن **قرآن** که فرزندان **انبیا** از آنان ارث می‌برند، سخن خلیفه را رد می‌کنند، (یعنی بر فرض فدک ارث باشد من وارث پیامبرم و فدک باز هم به من میرسد، این چه سخن خلاف قرآنیست که به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسبت می‌دهید)؛ اما خلیفه بر سخن خود پای فشرده از رد فدک به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) خودداری می‌کند.^[۲۳۹]

امام علی و حمایت از حق

از آنجا که در این میان هم حق فاطمه (سلام‌الله‌علیها) پایمال شده و هم سخنی بی‌اساس به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسب داده شده بود، علی (علیه‌السلام) به یاری مظلوم شتافته، با غاصبان به **احتجاج** برمی‌خیزد و با استدلال‌های خویش **باطل** را آشکار می‌نماید؛ اما از آنجا که فدک نباید به صاحب آن رد می‌شد، هیات حاکمه همچنان بر راییشان پای فشرده.^[۲۴۰]

حضرت فاطمه در مسجد پیامبر

بودن فدک در تصرف فاطمه (سلام‌الله‌علیها) موضع اهل‌بیت را در شرایط سیاسی آن روز در مقابله با حاکمان وقت تقویت می‌کرد؛ لذا باز پس دادن آن به صلاح هیئت حاکمه نبود. با پای‌فشاری **حکومت** بر موضع خود، هر چند احتمال رد فدک نمی‌رفت؛ اما باید از سوی حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) کاری انجام می‌گرفت؛ لذا ایشان تصمیم گرفت، در انظار عمومی سخنرانی نمایند و **فضاوت** در این مسأله را به **تاریخ** واگذارند. حضرت در معیت بانوانی که ایشان را همراهی می‌کردند، وارد **مسجد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** شدند، در حالی که مسلمانان و غاصبان فدک در **مسجد** حضور داشتند، پرده‌ای آویخته شد و **دختر** پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به **خطبه** ایستادند.^[۲۴۱]

خطبه‌ی حضرت فاطمه

حضرت (سلام‌الله‌علیها) خطبه‌ای گراء ایراد فرمودند که به‌دلیل طولانی بودن، از آوردن متن آن خودداری کرده، تنها به محورهای آن اشاره می‌کنیم. ایشان پس از **حمد** و ثنای الهی و ترسیمی از **رسالت** نبوی به این موارد توجه دارند:

الف) یادآور می‌شوند که ما اهل‌بیت یادگاری از پیامبریم که در میان شما به **امانت** نهاده شده‌ایم.

ب) معرفی خود و بیان زحمات علی (علیه‌السلام) برای پیشرفت اسلام.

ج) گذری بر رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ماجراهای پس از آن.

د) توبیخ غاصبان فدک.

ه) خطاب به **انصار**: «ای یادگاران زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وای یاوران **دین** و دژهای محکم اسلام، این چه سستی‌است، در کمک به من و چه کوتاهی‌است، درباره‌ی حق من و چه خوابی‌است که در مورد **ظلم** به من شما را فرا گرفته‌است؟... شما **قدرت** کمک به آنچه من طلب می‌کنم و قوت بر گرفتن آنچه در پی آن هستم، دارید. در این فراز حضرت این نکته را یادآور می‌شود که در واقع سستی مسلمانان این حوادث را به دنبال داشته‌است و آنان نیز در این حوادث بی‌تقصیر نیستند.»

در آخر می‌گویند: «این سخنان به خاطر رسیدن **جان** به لبم بود،... و اتمام حجتی برای شما بود.»^[۲۴۲] ^[۲۴۳]

موضع منفی

حضرت پس از این سخنرانی به **منزل** آمده و گزارش شده‌است، تا آخر **عمر** با غاصبان سخن نگفتند^[۲۴۴] و هر چند آنان در صدد دل‌جویی برآمدند، حضرت از موضع خود عقب ننشستند.^[۲۴۵]

فدک در گذر تاریخ

در روزگار "**معاویه**" وی فدک را به "**مروان بن حکم**" به اقطاع داد؛^[۲۴۶] اما بعدها آن را از مروان پس گرفت.^[۲۴۷] با روی کار آمدن مروان فدک دوباره به تصرف وی در آمده، مروان آن را به پسرش "عبدالعزیز" بخشیده، از وی به پسرش **عمر بن عبدالعزیز** رسید.^[۲۴۸] عمر بن عبدالعزیز با توجه به شرایط سیاسی دوران خود فدک را به اولاد فاطمه (سلام‌الله‌علیها) رد کرد؛ اما پس از وی امرای اموی فدک را باز پس گرفتند.^[۲۴۹] خلیفه‌ی عباسی، "سفاح" فدک را به فرزندان فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌دهد؛ اما **منصور** آن را پس می‌گیرد.^[۲۵۰]

در روزگار "**مامون**" گروهی از **سادات** به وی شکایت بردند که فدک را **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** به **فاطمه (سلام‌الله‌علیها)** بخشیده و حضرت از "ابوبکر" رد آن را خواستار بوده‌است، ابوبکر از وی طلب شهود کرده آن جناب هم علی (علیه‌السلام) و "امایمن" را به شهادت فراخوانده‌است. مامون فقها را فراخوانده، آنان بر تمام بودن شهادت **علی (علیه‌السلام)** و امایمن فتوی می‌دهند لذا فدک به اولاد فاطمه (سلام‌الله‌علیها) رد می‌شود؛ اما به روال سابق حاکمان بعدی فدک را به تصرف خود در می‌آورند^[۲۴۱] و این **غصب** همچنان باقی‌است.

موقعیت فعلی فدک

در حال حاضر به جای فدک شهری آباد و پررونق با نام **الحائط** قرار دارد.

منابع برای مطالعه

پانویس

۱. ↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۲۸.
۲. ↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹.
۳. ↑ واقدی، مجتهدین عمر، کتاب المغازی، ج ۲، ص ۶۲۳.
۴. ↑ طبری، مجتهدین جریر، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۱۴-۱۵.
۵. ↑ واقدی، مجتهدین عمر، کتاب المغازی، ج ۲، ص ۷۰۶.
۶. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۵۲.
۷. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۵۲.
۸. ↑ طبری، مجتهدین جریر، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۱۵.
۹. ↑ ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۵۲.
۱۰. ↑ طبری، مجتهدین جریر، تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۱۵.
۱۱. ↑ ابن خیاط، ابو عمرو بن ابی هبیره، تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۴۰.
۱۲. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۲۶.
۱۳. ↑ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۳۳۹.
۱۴. ↑ طوسی، مجتهدین حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، ج ۶، ص ۴۶۸.
۱۵. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۴۲.
۱۶. ↑ راوندی (قطب)، سعیدین عبدالله، الخرائج والجرائج، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۷. ↑ راوندی (قطب)، سعیدین عبدالله، الخرائج والجرائج، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۸. ↑ طوسی، مجتهدین حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، ج ۶، ص ۴۶۹.
۱۹. ↑ رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۴.
۲۰. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، فتوح البلدان، ص ۲۸.
۲۱. ↑ حلبی، ابوالفرج، السیرة الحلیبة، ج ۳، ص ۷۴.
۲۲. ↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۲۸.
۲۳. ↑ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱-۲۱۴.
۲۴. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۰.
۲۵. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۱۹-۵۲۰.
۲۶. ↑ رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۴.
۲۷. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۱۹.
۲۸. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۴۲.
۲۹. ↑ بلاذری، احمدین یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۱۹.
۳۰. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۱.
۳۱. ↑ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.
۳۲. ↑ ابن طیفور، احمد ابن ابی طاهر، بلاغات النساء، ص ۱۲-۲۰.
۳۳. ↑ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱-۲۱۵.
۳۴. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۰.
۳۵. ↑ دینوری، ابن قتیبہ، الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۳۱.
۳۶. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.
۳۷. ↑ طبری، مجتهدین جریر، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۲۹۲.
۳۸. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۶.
۳۹. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۶.
۴۰. ↑ حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹.
۴۱. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۹.

منبع

جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۹۶.
سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «فدک»، تاریخ بازیابی ۹۵/۸/۲۰.